



شهادت مأمور پلیس در ایذه

یکی از مأموران پلیس شهرستان ایذه در جریان درگیری با اشرار مسلح به شهادت رسید.
به گزارش «جوان»، سرهنگ حسمت‌الله بسطامی، فرمانده انتظامی ایذه گفت: سه روز قبل مأموران انتظامی پاسگاه سوسن هنگام گشت‌زنی با اشرا مسلح درگیر شدند. در جریان درگیری‌ها یکی از مأموران به نام سرگرد حسن برون مجروح و به بیمارستان منتقل شد. همزمان تلاش تیم پزشکی برای نجات جان مأمور پلیس در جریان بود، اما وی به دلیل شدت جراحت به شهادت رسید. شهید حسن برون، دارای دو فرزند است.

سارق اموال گردشگر قراستانی بازداشت شد

فرمانده انتظامی شهرستان شاهین‌شهر و میمه از شناسایی و دستگیری سارقی خیر داد که اقدام به سرقت اموال یک گردشگر اهل قزاقستان کرده بود.
به گزارش «جوان»، سرهنگ احسان بدیعیان گفت: در پی دریافت گزارش مبنی بر سرقت اموال یک توریست قزاقستانی، رسیدگی به موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران انتظامی پاسگاه مورچه‌خورت قرار گرفت.

وی افزود: بررسی‌های اولیه نشان داد مالباخته به قصد سفر به تهران، از اصفهان سوار یک خودروی مسافربر شخصی شده‌بود که راننده خودرو در یکی از قهوه‌خانه‌های بین‌راهی از محدوده مورچه‌خورت، از موقعیت سوءاستفاده و اقدام به سرقت اموال وی کرده و متواری شده‌است. فرمانده انتظامی شهرستان شاهین‌شهر و میمه تصریح کرد: مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و پیگیری‌های مستمر، موفق شدند سارق را که اهل یکی از شهرستان‌های اطراف بود شناسایی و در کمتر از شش ساعت دستگیر کنند.

سرهنگ بدیعیان با اشاره به کشف اموال مسروقه و تحویل آن به مالباخته خاطر‌نشان کرد: در این رابطه پرونده قضایی تشکیل و متهم برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شد.

سارقان طلا به دام پلیس افتادند

دو سارق که با دستبرد به خانه‌ای در زاهدان ۱۹میلیارد تومان طلا سرقت کرده‌بودند، بازداشت شدند.
به گزارش «جوان»، سردار علیرضا دلیری جانشین فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان گفت: چند روز قبل مردی به کلانتری ۱۹ زاهدان خبر داد که درذه به خانه‌اش زده و حدود یک کیلو طلا به ارزش ۱۹ میلیارد تومان سرقت شده‌است. بعداز مطرح‌شدن شکایت تحقیقات پلیس با بررسی دوربین‌های مدارسته ادامه پیدا کرد و مأموران موفق شدند سارقان را که دو نفر بودند شناسایی و بازداشت و طلاهای سرقت شده را کشف کنند. بررسی‌ها در این باره جریان دارد.



کشف سکه‌های اشکانی در دره‌شهر

فرمانده انتظامی شهرستان دره‌شهر استان ایلام از کشف ۱۵قطعه سکه دوره اشکانیان و بازداشت دو متهم خبر داد.
به گزارش «جوان»، سرهنگ کرم حسنی گفت: مأموران پلیس در جریان بررسی‌های خود متوجه شدند دو قاچاقچی عتیقه قصد دارند تعدادی سکه تاریخی را از طریق پست ارسال کنند.
وی افزود: مأموران پلیس در جریان بررسی‌های بعدی دو متهم را بازداشت و در بازرسی از آنها ۱۵ قطعه سکه نقره تاریخی کردند. فرمانده انتظامی شهرستان دره‌شهر گفت که براساس اعلام کارشناسان میراث فرهنگی، قدمت سکه‌های کشف شده مربوط به دوره اشکانیان است.

حسین فصیحی

بازار بزرگ تهران، این قلب تپنده اقتصاد شهری، امروز بیش از آنکه نماد پویایی و تجارت باشد، آینه‌ای است از فرسودگی قانون، تعلل مدیریتی و بی‌تصمیمی سیاسی. جایی که روزانه نزدیک به یک‌ونیم میلیون شهروند در آن رفت‌وآمد می‌کنند، اکنون بر لبه تیغ نایمنی، بی‌نظمی و بحران ایستاده‌است؛ بحرانی که نه ناگهانی، بلکه محصول سال‌های توجیهی و انباشت خطاهاست.

بازار، فقط یک مرکز خرید نیست؛ یک «شهر در شهر» است. بافتی تاریخی، مترکم، شکننده و پرریسک که کوچک‌ترین تخلف در آن می‌تواند به فاجعه‌ای ملی بدل شود. تخلفات ساختمانی تنها یک نمونه از زخمی عمیق‌تر است؛ زخمی که ریشه در قوانین دهه‌های گذشته، ضعف ضمانت اجرا و سکوت قانونگذار دارد.

قانون‌هایی که پیر شدند، اما باز نشسته نشدند

قوانین شهری ایران، به‌ویژه در حوزه تخلفات ساختمانی، هنوز با منطق دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی اداره می‌شوند. دورانی که نه این حجم از جمعیت وجود داشت، نه این تراکم فعالیت و نه این پیچیدگی اقتصادی. امروز، تخلف ساختمانی در بسیاری موارد «جرم» نیست، بلکه «ریسک

قابل پرداخت» است؛ تخلف کن، بعدازچریمه بده، تمام. کمیسیون ماده ۱۰۰، به‌جای بازوی بازدارنده، به صندوق درآمدی بدل شده‌است. سازوکاری که قرار بود مانع بی‌قانونی شود، عملاً آن را مدیریت می‌کند. نتیجه روشن است؛ حفاری شبانه، تغییر کاربری پنهان، انبارهای زیرزمینی، بالکن‌های غیرمجاز و بارگذاری‌های مرگبار بر سازه‌های فرسوده.

در چنین ساختاری، شهرداری حتی اختیار ورود فوری به محل تخلف را ندارد. تا حاکم صادر شود، تخلف انجام‌شده و سدش به جیب متخلف رفته‌است. این یعنی قانون همیشه یک قدم عقب‌تر از متخلف حرکت می‌کند.

مسئولانی که می‌دانند، اما عمل نمی‌کنند

نکته تلخ ماجرا آنجاست که مدیران ارشد کشور با مشکلات بازار بیگانه نیستند. محمدباقر قالیباف، رئیس کنونی مجلس بیش از یک دهه شهردار تهران بود. او سال‌ها با مسائل بازار، بحران‌های ایمنی و

حواالت

سرویس حوادث، ۶۰، ۸۵۲۳۰

«بازار تهران» میان قانون‌های پوسیده و سکوت پر هزینه مجلس



تهران پر داخ‌ت می‌شود. مجلس، بازار را می‌بیند، گزارش‌ها را می‌خواند هشدارها را می‌شنود، اما تصمیم‌های بزرگ را به تعویق می‌اندازد. انگار منتظرند حادثه‌ای شبیه پلاسکو دوباره رخ دهد تا چند روزی تیتراها داغ شود، آشک‌ها جاری شود و بعد، همه‌چیز به روال قبل بازگردد.

بازار: هزار توی خطر‌های پنهان

امروز بازار بزرگ تهران مجموعه‌ای از تهدیدهای درهم تنیده‌است: اختلاف‌های دامنه‌دار کسبه و مالکان در دالان‌های هزار توی عدلیه، سیم‌کشی‌های فرسوده، انبارهای قابل اشتعال، کیسول‌های گاز نایمن، راه‌های تنگ، اختلاف مالکان، کارگله‌های مخفی و زیرزمین‌های دستکاری‌شده. ۴۰ درصد حوادث بازار به برق فرسوده مربوط‌است. خودروهای امدادی در بسیاری مسیرها امکان عبور ندارند. مخازن آب اضطراری در پیچ‌وخم اداری متوقف شده‌اند. کاربری‌ها در هم، ریخته‌اند و مرز میان مجاز و غیرمجاز محو شده‌است. از همین رو به نظر می‌رسد بازار، هر روز با «شناس» «سرپا می‌ماند، به با هر نامه».

گره‌های مالکیتی آن در گیر بوده و به‌خوبی می‌داند این بافت تا چه اندازه آسیب‌پذیر است. همچنین علیرضا زاکانی، شهردار فعلی تهران از نزدیک با همین معضلات دست‌وپنجه نرم می‌کند. بازار برای این مدیران، جغرافیایی ناشناخته‌نیست و حافظه‌مدیریتی آن در ذهن‌شان ثبت شده‌است. پس پرسش اصلی آنجاست؛ وقتی می‌دانید، چرا اقدام نمی‌کنید؟ وقتی خطر را می‌شناسید، چرا قانون را اصلاح نمی‌کنید؟

وقتی تجربه دارید، چرا به تکرار فاجعه رضایت می‌دهید؟

مجلس: ناظر خاموش یک بحران مزمن

در این میان، نقش مجلس شورای اسلامی بیش از همه قابل پرسش‌است. نهادهی که باید موتور اصلاح‌قوانین باشد، سال‌هاست که در برابر فرسودگی حقوق شهری سکوت کرده‌است، نه جرم‌گذاری جدی تخلفات، نه تقویت جایگاه شهرداری به‌عنوان ضابطه، نه تعریف ساختار مدیریت یکپارچه بازار و نه حمایت مؤثر از نوسازی ایمن. این سکوت، تصادفی نیست؛ پرهیز است. هزینه‌ای که با جان مردم، امنیت شهر و آینده اقتصادی

گروگان دروغین، طراح سرقت ۳۰میلیاردی

تاجر ساعت از آب درآمد!

غلام‌رامسکنی

تماس وحشت‌زده یک تاجر ساعت با پلیس درباره هجوم پنج مرد نقاب‌دار و برنده شدن دوستش، پرونده‌ای پیچیده را آغاز کرد، اما هشت ماه بعد با دستگیری دو زورگیر خیابانی، راز بزرگ فاش و مشخص شد گروگان ماجرا همان دوست صمیمی بود که برای جبران ورشکستگی، نقشه سرقت خانه میزبانش را طراحی کرده بود.

یکی از شب‌های خردنامه امسال، مردی وحشت‌زده با اداره پلیس تماس گرفت و از دستبرد چند سارق ناشناس به خانه‌اش خبر داد. او که خود را تاجر ساعت معرفی می‌کرد، مدعی شد دقایقی قبل چند مرد نقاب‌دار پس از سرقت اموالش، دوستش را که میهمان خانه او بوده، ربوده‌اند. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران به پارتمان مسکنوی شاکای در یکی از خیابان‌های شمالی پایتخت اعزام شدند.

هجوم مردان نقاب‌دار

شاکای در توضیح ماجرا گفت: «چند روزی بود خانواده‌ام به مسافرت رفته بودند و تنها بودم. امشب دوستم بهنام را دعوت کردم. مدتی است ورشکست شده و حال خوبی ندارد، خواستم حال و هوایش عوض شود. ناگهان رنگ در به‌صدا درآمد. وقتی در را باز کردم پنج مرد نقاب‌دار مسلح به سلاح سرد وارد خانه شدند. همان ابتدا کبسه‌ای روی سرمان کشیدند و دست و پایمان را بستند». او ادامه داد: «آنها پرسیدند، صاحبخانه کیست و وقتی گفتم من هستم، با تهدید چاقو و قمه مجبورم کردم در کمند مخصوص کلکسیون ساعت‌های مار کددار و انگشترهای برلیان به ارزش بیش از ۳۰میلیارد تومان را باز کنم. بعد از سرقت اموالم، دوستم را که فهمیدند در خرید و فروش خودروهای لوکس فعالیت دارد با خود بردند، سپس به سختی خود را آزاد کردم و با پلیس تماس گرفتم.»

رد خودروهای سرقتی

با ثبت شکایت، پرونده روی میز قاضی احسان شکیب‌نژاد، بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی تهران قرار گرفت و کاراگاهان پلیس آگاهی وارد

عمل شدند

بررسی دوربین‌های مداربسته نشان داد سارقان با دو خودروی پژو پرشیا و سمند که اطراف محل پارک شده بود، قرار کردند. تحقیقات بعدی مشخص کرد هر دو خودرو شب قبل از دو محله تهران سرقت شده

صاحبان شان اعلام شکایت کرده‌اند.

آزادی گروگان پس از ۴۸ ساعت

جست‌وجو برای شناسایی آدم‌ربایان ادامه داشت تا اینکه ۴۸ ساعت بعد، بهنام به اداره پلیس مراجعه کرد

و گفت آدم‌ربایان او را آزاد کرده‌اند. چهار همدست دیگرش را بازداشت کردند. بهنام در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد و گفت به دلیل ورشکستگی نقشه سرقت از خانه دوستش را طراحی کرده‌است. متهمان به دستور بازپرس برای تحقیقات تکمیلی در اختیار کاراگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.»

سرنخ اتفاقی در پرونده زورگیری

با وجود آزادی گروگان، سارقان هیچ رد مشخصی از خود باقی نگذاشته بودند و تحقیقات بی‌نتیجه

ماند تا اینکه هشت ماه بعد، مأموران گشت پلیس هنگام زورگیری دو سارق چاقوکش از شهروندی آنها را دستگیر کردند و همین دستگیری راز سرقت ۳۰میلیاردی از خانه تاجر سرشناس را فاش کرد. ابتدا متهمان مدعی شدند برای اولین بار و به دلیل مشکلات مالی مر تکب جرم شده‌اند، اما سوابق‌شان نشان داد هر دو سابقه‌دارند و یک سال قبل از زندان آزاد شده‌اند. در بررسی تلفن همراه یکی از آنان، پیام‌های مشکوکی در اینستاگرام کشف شد، پیام‌ها نشان می‌داد آنها برای سرقت خانه دوست یک تاجر اجیر شده و دستمزد قابل توجهی دریافت کرده‌اند.

طراح سرقت، دوست صمیمی بود

تحقیقات تکمیلی فاش کرد سارق دستگیر شده سردهست همان پنج مرد نقاب‌داری‌است که هشت ماه قبل به خانه تاجر ساعت دستبرد زدند. مهم‌ر این‌که فرداگیر کننده کسی نبود جز بهنام؛ همان دوستی که به عنوان گروگان معرفی شده بود. او حتی پیشنهاد داده بود برای طبیعی جلوه دادن ماجرا، خودش را نیز در صحنه سرقت برابند تا کسی به او شک نکند.

۵ کشته در تصادف پژو و وانت

ساعت هنوز از اعلام گزارش به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ نگذشته بود که بی‌سیم‌ها از یک پرخورد مرگبار در محور فرعی سراوان – سیرکان خبر دادند؛ جایی حوالی ۱۰ کیلومتر ۱۰ که لحظاتی بعد به صحنه‌ای از آهن‌های مچاله و پیکرهای بی‌جان بدل شد.

به گفته سرهنگ مهدی خمر، رئیس پلیس‌راه شمال استان سیستان و بلوچستان در پی اعلام وقوع تصادف میان یک دستگاه سواری پژو و وانت تویوتا، تیم‌های پلیس‌راه به همراه نیروهای امدادی بی‌درنگ در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد پژو که از مسیر فرعی سراوان به سمت سیرکان در حرکت بود، به دلیل تجاوز به چپ ناگهان وارد مسیر مقابل شده و به‌صورت مستقیم با وانت تویوتا پرخورد کرده‌است. شدت ضربه به حدی بود که صحنه تصادف، وایت‌نگر فاجعه‌ای تمام‌عیار شده، پنج نفر در جان باختند و یک نفر دیگر نیز با جراحات شدید توسط عوامل اورژانس به مرکز درمانی منتقل شد. کارشناسان پلیس‌راه علت اصلی حادثه را انحراف به چپ راننده پژو اعلام کردند.

۲ کشته در حمله اشرا مسلح به خودروی کارگران معدن

ورودی شهر زاهدان، عصرگاهی که کارگران معدن خسته از یک روز کاری به خانه برمی‌گشتند، ناگهان به صحنه یک حمله مسلحانه تبدیل شد؛ حمله‌ای برق‌آسا که در چند ثانیه، دو خانواده را داغدار کرد.

سرهنگ «حمید نوری» فرمانده انتظامی شهرستان زاهدان گفت: همزمان با اعلام تیراندازی به خودروی حامل کارگران معدن، مأموران پلیس در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد سرشتیان یک دستگاه پژو سواری بازن دیک‌تشدن به خودروی کارگران، بی‌محبا آتش گشوده و بلافاصله از محل متواری شده‌اند.

در این تیراندازی مرگبار، و در نفر از کارگران بر اثر اصابت گلوله جان باختند و دو نفر دیگر مجروح و با حضور عوامل اورژانس به مرکز درمانی منتقل شدند. منابع انتظامی حال عمومی مجروحان را تحت مراقبت پزشکی اعلام کرده‌اند.

این حمله در حالی رخ داد که کارگران هدف، تنها دقایقی با ریسوین به خانه فاصله داشتند. این‌ها در تشکیل پرونده قضایی، اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی برای شناسایی و دستگیری عاملان این جنایت آغاز شده و پلیس اعلام کرده‌است متهمان تحت تعقیب قرار دارند.

اقتصادبر ایمنی غلبه کرده‌است

واقیعت تلخ دیگر آن است که منطق اقتصادی کو‌تاهمدت بر عقلانیت ایمنی سایه انداخته‌است. بسیاری از کسبه از ترس تعطیلی، هزینه نوسازی را نمی‌پذیرند. مالکان از ترس کاهش سود، مقاومت می‌کنند. مدیران از بیم تبعات اجتماعی، تصمیم‌های سخت را عقب می‌اندازند و در این میان، جان مردم به‌متغیری قابل معامله تبدیل می‌شود.

چرا اصلاح شکست می‌خورد؟

مرور تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد شکست ایمنی‌ساز بازار، دلایل روشنی دارد از جمله مالکیت چندپاره و دعوای‌های حقوقی مزمن، نبود مدیریت واحد و مقتدر، ضعف قانون و ضمانت اجرا، نبود حمایت مالی دهخندو فر هنگ ضعیف‌ایمنی، تازمانی که این پنج حلقه‌اصلاح‌نشود

هر طرحی محکوم به فرسایش‌است.

راه‌برده رفت: از شعار تا ساختار

نجات بازار با وعده ممکن نیست؛ با تصمیم ساختاری ممکن است. از جمله تشکيل ستاد ملی ایمنی بازار با اختیارات واقعی، جرم‌گذاری صریح تخلفات و خطر و تبدیل شهرداری به ضابط مؤثر قضایی، حمایت مالی دولت از نوسازی، انتقال فعالیت‌های پرریسک به مراکز جایگزین، نوسازی شبکه برق و گاز و آموزش اجباری ایمنی برای کسبه این‌ها رُیا نیست؛ حداقل‌های مدیریت شهری مدرن‌است.

حافظه‌ای که نباید بسوزد

بازار تهران فقط چند دالان و مغازه نیست؛ حافظه زنده پایتخت‌است. بخشی از هویت اقتصادی، فرهنگی و تاریخی ایران. اگر امروز آن را قربانی بی‌تصمیمی کنیم، فردا چیزی برای مرثیه‌خوانی هم‌باقی نمی‌ماند.

مسئله بازار، مسئله چند سر نیست؛ مسئله «حکمرانی شهری» است. آزمونی برای اینکه آیا نظام مدیریتی کشور می‌تواند پیش از فاجعه تصمیم بگیرد یا نه. امروز هنوز فرصت هست. هنوز می‌شود قانون را اصلاح و ساختار را ترمیم کرد و جان مردم را جدی گرفت. اما اگر این سکوت ادامه یابد، قرار باز، نه با قانون که با آتش، آوار و عزاداری اصلاح خواهد شد؛ اصلاحی دیر هنگام، پر هزینه و جبران‌ناپذیر. بازار تهران هر روز زنده می‌ماند، اما شناس همیشه وفادار نیست.